

## علل اختلاف تفسیر (در قرن اول)

مهدی اکبر نژاد (استاد یار دانشگاه ایلام)  
علی هاشمی (دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه ایلام)

تاریخ دریافت: ۸۷۲/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۸۷۵/۲۰



اختلافات تفسیری بیشتر از سه موضوع سرچشمه می‌گیرد: متن قرآن، موقعیت نزول و شخصیت مفسر. این‌ها را می‌توان به عنوان عوامل اصلی در اختلاف تفاسیر نام برد. علاوه بر این عوامل، شرایط سیاسی و اجتماعی سده اول اسلام نیز در تشدید اختلافات تفسیری بسیار مؤثر بوده است و فرقه‌های مذهبی که خود از این شرایط نشأت گرفته و دیگر عواملی که در این مقاله به آن‌ها اشاره شده به اختلافات تفاسیر دامن زدند که در این مقاله به تبیین مهم‌ترین عوامل اختلافات تفسیری با تأکید بر قرن اول می‌پردازیم.

**کلید واژه‌ها:** اختلاف تفسیر، عوامل درونی، عوامل بیرونی، عوامل اصلی، عوامل فرعی.

### مقدمه

نگرش‌های سیاسی و گرایش‌های اعتقادی در تفسیر قرآن نقش آفرین بوده است. قرآن دارای ویژگی‌هایی است که ضرورت تفسیر را در هر عصر و زمانی ایجاب می‌کند، اما این سؤال مطرح است که چرا مفسران در تفسیر قرآن آراء و نظریات مختلفی ارائه داده‌اند در حالی که یک متن را پیش روی

با نگاهی به تاریخ تحولات در زمینه بحث‌های تفسیر و دوران‌هایی که بر تفسیر قرآن کریم گذشته است و دستاوردهایی که مباحث مزبور در اثر اندیشه‌های مختلف منابع فکری غیر اسلامی داشته است، به خوبی می‌توان فهمید که تا چه اندازه

تفسیر دست می‌زند. این گزینش خود تحت تأثیر عوامل شکل‌دهنده شخصیت مفسر است که از توانایی‌های ذاتی مفسر تا شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه وی را دربر می‌گیرد. مهم‌ترین مواضع گزینش مفسر به ترتیب اهمیت در تفسیر عبارت‌اند از:

### ۱-۱-۱. متفاوت بودن منابع معتبر برای

#### تفسیر نزد مفسران

برخی از مفسران به شیوه سلف اقتدا نموده به تفسیر مأثور از صحابه و بزرگان تابعان بسنده کردند. عده‌ای بحث‌های لغوی را بر دامنه آن افزودند، گروهی از فلسفه و کلام نیز استفاده کردند و تفاسیر دیگری با آثار عرفان و صوفی‌گری ظهور یافت و رفته رفته جنبه‌های سیاسی و اجتماعی نیز به قرآن همراه با علوم روز راه یافت که باعث شد تفاسیر اشکال مختلفی به خود بگیرند<sup>۱</sup> اختلاف در منابع تفسیر منحصر به اختلاف در منابع اصلی نیست. چه بسا مفسرانی در منابع اصلی باهم اتفاق نظر داشته باشند، اما در فروع یا قواعد متخذ از منابع اصلی یا نحوه اجرای آن‌ها نظری متفاوت از یکدیگر

خود داشته‌اند؟ در اختلاف تفاسیر عواملی وجود دارد که از آن‌ها به عنوان عوامل اصلی در این مقاله یاد می‌شود و عواملی که باعث تشدید این اختلاف شده‌اند، از آن‌ها به عنوان عوامل فرعی یاد می‌گردد. هر یک از عوامل اصلی و فرعی خود به دو دسته کلی دیگر با عنوان عوامل بیرونی و درونی تقسیم می‌شوند که متأثر از سه عامل اصلی اجتماع، سیاست و خصوصیات فردی در هر دوره می‌باشند. از میان همه ادواری که بر تفسیر قرآن گذشته، قرن اول هجری نقش بسیار مهمی در تفسیر قرآن و اختلاف تفسیری دارد که در این مقاله به بررسی همه عوامل یاد شده خواهیم پرداخت.

ابتدا عوامل درونی تأثیرگذار بر اختلاف تفاسیر را یاد می‌کنیم که به دو دسته عوامل اصلی و عوامل فرعی تقسیم می‌شوند:

### ۱- عوامل درونی اصلی

#### ۱-۱. شخصیت مفسر

از نظریات و اعتقادات مفسر می‌توان به عنوان عامل اصلی و تأثیرگذار بر اختلاف تفاسیر یاد کرد. پیدایش روش‌ها و گرایش‌های تفسیری حاصل اندیشه‌ها، تئوری‌ها و باورهای مفسران است. مفسر قرآن با توجه به اعتقادات نظریات، فرضیات و سلايق خود به گزینش عوامل شکل‌دهنده

۱. معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۲، ص ۱۲؛ علی اکبر بابایی و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۶۲

داشته باشند، به عنوان مثال: عده‌ای خبیر واحد را حجت می‌دانند، چون آیه الله خوبی<sup>۱</sup> و گروهی آن را حجت نمی‌دانند؛ چون سید مرتضی<sup>۲</sup>... پس هر مفسر بر اساس افکار و تخصص علمی با مکتب تفسیری خود به تفسیر قرآن می‌پردازد که این گونه اختلافات را مناهج یا روش‌های تفسیری می‌نامند.<sup>۳</sup>

#### ۱-۱-۲. باورهای اعتقادی مفسر

یکی دیگر از عوامل اصلی اختلاف در تفسیر، گرایش‌های مذهبی مفسران است. فرقه‌های مذهبی که در تمام ادیان الهی وجود دارند شاید دهشتناک‌ترین عامل برای ضربه به یک دین محسوب شوند و بی‌گمان دین اسلام از فرقه‌های بسیار گوناگون ضربه‌های بی‌شماری خورده که یکی از آن‌ها ضربه تفسیر قرآن و ایجاد اختلاف بسیار در آن بود. فرقه‌های مذهبی، قرآن و سنت را به نفع خود می‌فهمیدند و می‌فهماندند. این راویان به تناسب گرایش فرقه‌ای یا سیاسی خود مطالب ویژه‌ای نقل

کرده یا در محتوای روایات به گونه‌ای تصرف نموده‌اند که مؤید گرایش فکری و مرام سیاسی آنان باشد یا دست‌کم تأییدی بر فکر و مرام مخالفانشان نباشد. نقل بخشی از روایات تفسیری نیز از انگیزه‌های سیاسی، مذهبی راویان مصون نماند که سرانجام آن تشدید در اختلافات تفسیری می‌باشد که ناشی از همین فرقه‌سازی‌ها بود و بدین‌سان حقیقت مطالب قرآن در لابه‌لای این جدال‌ها و کشاکش‌ها به مرور زمان کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شد و اختلافات تفسیری پررنگ و پررنگ‌تر شد. چنان که گفته شده، در میان فرق اسلامی، شیعه و سنی به عنوان دو فرقه اصلی، زمینه‌های متفاوت اختلافات تفسیری دارند، به گونه‌ای که می‌توان از آن‌ها به عنوان دو گروه اصلی طلایه‌دار اختلافات تفسیری یاد کرد؛ یکی متصل به وحی و نبوت که نماینده آن امامان معصوم علیهم‌السلام و پیروانشان بودند و دیگری جریان عمومی (اهل سنت) که مستقیم و به طور دائم اتصال به وحی نداشت. نماینده این جریان برخی از صحابه و یاران پیامبر و پیروان آن‌ها بودند.<sup>۴</sup> جدای از در نظر گرفتن حق یا

۱. ابوالقاسم خوبی، درآمدی بر علم رجال، ترجمه عبد الهادی فقهی زاده، ص ۲۹.
۲. شادی نفیسی، درایة الحدیث، ص ۵۸.
۳. علی اکبر بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۱۸.

۴. سهراب مروتی، پژوهشی پیرامون تاریخ تفسیر،

←

باطل بودن هر یک تأثیر این دو فرقه بر اختلاف تفاسیر در طول تاریخ کاملاً واضح است.

۱-۱-۳. سبک‌های پردازش و پرورش

### موضوع

مفسران علاوه بر اختلاف در روش و گرایش و جهت‌گیری، در تنظیم و بیان مطالب نیز دارای شیوه‌هایی گوناگون هستند که بیشتر به دو عامل ذوق و سلیقه شخصی و درک شرایط مخاطب برمی‌گردد. مفسری ترجیح می‌دهد تفسیرش را به سبک مزجی بنویسد، دیگری به دلیل علاقه و تبحر در لغت، بحث‌های لغوی را بسیار گسترده مطرح می‌کند و مفسر دیگری به سبک کتب فقهی می‌نگارد...<sup>۱</sup> این گرایش‌های خاص مفسران را که بر اثر افکار و عقاید یا تخصص علمی یا مکتب تفسیری آنان در تفاسیرشان اختلاف ایجاد کرده اتجاهات تفسیری گویند.<sup>۲</sup>

بعد از بیان عوامل درونی اصلی در اختلاف تفاسیر، به شرح عوامل درونی فرعی می‌پردازیم:

ص ۹۲

۱. معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۲ ص ۱۳.

۲. علی اکبر بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۱۸.

## ۲. عواملی درونی فرعی

۱-۲. اختلاف مردم در فهم و درک

معارف از قرآن و حدیث

از جمله عواملی که می‌توان از آن به عنوان عاملی در تشدید اختلافات تفاسیر یاد کرد همین اختلاف مردم در فهم و درک قرآن و حدیث می‌باشد. بی‌گمان قرآن بر گروه خاص و دسته معینی نازل نشده است و عموم مردم از دانشمندان و متفکران و نوابغ بزرگ گرفته تا افراد عادی عامی همه مورد خطابات قرآنی‌اند، لذا در قالب‌ریزی آیات آن، عمق مفاهیم و معارف قرآن همراه با وضوح دلالت آیاتش، یک‌جا منظور شده است و در عین اعجاز و ما فوق توان بشری بودن، چنان تناسبی در ترکیب الفاظ و جملات آن به کار رفته که هر متدبر و متفکری به تناسب میزان درک و دانش خویش می‌تواند از دریای ژرف و بی‌کران معارف آن بهره‌مند گردد.<sup>۳</sup> در مورد حدیث نیز تا آن‌جا که ظرفیت فکری و علمی آنان اجازه می‌داد در فهم معانی و مقاصد آن می‌کوشید، تا از سخنان و کلمات گهربار نبی اکرم ﷺ استفاده نمایند. در این میان هریک به میزان سطح فکری و توان

۳. عمید زنجانی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۱۷۸.

علمی خود از دریای بیکران فیض حضرتش بهره بردند، چون چشمه‌ای که هر کس به قدر تشنگی از آن می‌نوشد<sup>۱</sup> بی‌تردید پس از پیامبر اکرم ﷺ صحابه مسئولیت پخش و گسترش علوم اسلامی را بر عهده داشتند، اما تمامی صحابه در مراتب علمی یکسان نبودند و بر حسب استعدادها و مواهب ذاتی و مقدار حضور علمی نزد پیامبر دارای درجات متفاوت بودند، چنان که مسروق بن اجدع همدانی می‌گوید: با اصحاب پیامبر ﷺ همنشین شدم و آنان را همانند برکه‌های آب یافتم که برخی یک نفر را سیراب می‌کرد و برخی دیگر دو نفر را و برخی ده نفر و برخی صد نفر و برخی همه اهل زمین را سیراب می‌کرد.<sup>۲</sup> آگاهی صحابه نسبت به زبان عرب نیز یکسان نبود، آنچنان که در تاریخ نقل شده برخی اطلاعات گسترده داشتند و آشنا با واژه‌های غریب بودند؛ چون ابن عباس و برخی دیگر این‌گونه نبودند، چون عدی بن حاتم که در مورد آیه ۱۸۷ سوره بقره ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ﴾ که از ظاهر آن پنداشته بود که باید دو ریسمان سفید و سیاه را در مقابل نور فجر گرفت

۱. همان، ص ۱۶۳.  
 ۲. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۳۴۲.

از هم تشخیص داد.<sup>۳</sup> یا ابوبکر که درباره تفسیر آیه‌ای از قرآن گفت کدامین آسمان بر من سایه افکنده و کدامین زمین مرا دربرگیرد آن‌گاه که درباره کتاب خدا سخنی ندانسته بگویم.<sup>۴</sup> یا عمر که در مورد ﴿فَاكْهَةٌ وَآبَاءُ﴾ معنای «آبا» را نمی‌دانست<sup>۵</sup> یا ابن عباس که معنای ﴿فَاطَرَ السَّمَوَاتِ﴾ را نمی‌دانست، تا آن که شاهد نزاع دعوی بادیه نشینی بود که این واژه را به کار برد که می‌گفت: «انا فطرتهَا».<sup>۶</sup>

## ۲-۲. علاقه هر مسلمان به درک قرآن

از آن‌جا که قرآن تنها کتاب آسمانی مقدس مسلمانان بود، آنان نمی‌توانستند نسبت به درک مقاصد و مفاهیم بلند آن همت نکنند، و همین اهتمام و علاقه بود که دانشمندان اسلامی را بر آن داشت تا با وجود دوری از سرچشمه عترت نبی از تمام امکانات علمی و عقلی در راه درک معانی و مقاصد قرآن استفاده نمایند به این ترتیب

۳. مسند احمد، ج ۴، ص ۳۷۷؛ سنن بیهقی، ج ۴، ص ۲۱۵.

۴. المصنّف، ج ۷، ص ۱۸۰؛ فتح الباری، ج ۱۳، ص ۲۳۰؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۳۲۷.

۵. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۵۱۴؛ مسند الشامیین، ج ۴، ص ۱۵۶.

۶. الاستذکار، ج ۳، ص ۱۰۵؛ الفایق فی غریب الحدیث، ج ۳، ص ۳۹.

بازار آشفته نقل از گذشتگان که نزد عامه ستش می‌نامیدند بیش از پیش رونق یافت. از آن‌جا که میزان و مقیاس واحد و مشخص که مایه هماهنگی فکری باشد، در میان نبود اختلافات و آرای گوناگون در تفسیر قرآن آغاز شد؛ زیرا هر صاحب نظر و اندیشه‌ای می‌خواست با مقدمات عقلی و امکانات علمی و عقاید و طرز تفکری که در اختیار داشت کلام خدا را تفسیر کرده، از حقایق آن آگاه شود و این خود ریشه اصلی ایجاد موضوعی است که یکی از مؤلفان در کتاب خود از آن با عنوان مذاهب تفسیری یاد کرده است.<sup>۱</sup>

#### ۲-۳. اجتهاد شخصی

دیگر عامل درونی در تشدید اختلاف تفاسیر، اجتهاد شخصی صحابه و دیگر مفسران در صدر اسلام (ترجیحاً قرن اول) می‌باشد، مانند ابن عباس که به عنوان سردمدار این حرکت معرفی شده<sup>۲</sup> و از آن در برخی کتب به تفسیر به رأی صحیح یاد شده<sup>۳</sup> و از واضحات تاریخ است.

۱. علی اکبر بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۱۸.
۲. سید رضا مؤدب، روش‌های تفسیر قرآن، ص ۱۳۳.
۳. حبیب الله جلالیان، تاریخ تفسیر قرآن کریم، ص ۱۴۴.

هنگامی که صحابه توضیحی از خود قرآن یا بیانی از پیامبر نمی‌یافتند، بدان سبب که خود عرب بودند و زبان عربی را به طور کامل می‌دانستند به اجتهاد شخصی متوسل شدند و چه بسیار دچار تفسیر به رأی شدند و نظریات خود را بر قرآن تحمیل کردند، حال آن که آنان از این نکته مهم غافل بودند که فهم قرآن در بسیاری از موارد به مسائلی بیشتر از آشنایی تنها به زبان عربی احتیاج دارد؛ زیرا قرآن مشتمل است بر عام و خاص، مجمل و مبین و محکم و متشابه... به همین علت استنباط مقاصد و مفاهیم قرآن از لابه‌لای این مشکلات به علم ویژه‌ای نیاز دارد که بیش‌تر آنان که قرآن را از پیامبر فرا گرفته‌اند، بدان آشنایی کامل نداشتند و دیری نپایید که بر اثر آن انحرافات بی‌شمار در تفسیر رخ داد.<sup>۴</sup>

#### ۲-۴. اصالت عقل و اعتماد به رأی

از این عامل می‌توان به عنوان آخرین عامل درونی تشدید را در اختلاف تفاسیر یاد کرد. با عملی شدن نقشه جدایی قرآن از عترت کار هرج و مرج فکری و اختلاف در اعتقادات و احکام و سایر معارف دینی و

۴. سهراب مروتی، پژوهشی پیرامون تاریخ تفسیر قرآن کریم، ص ۵۷.

نظری به آن جا کشید که عده‌ای به منظور پیدا کردن پناهگاهی مطمئن و اساسی در گیرودار اختلافات فکری، به فلسفه اصالت عقل گراییده تکیه بر رأی و اندیشه شخصی را پایه اصلی بحث‌های دینی قرار دادند اساس این نوع فکر ابتدا در زمینه احکام شرعی و مسائل فقهی پی‌ریزی شد و آن‌گاه که احکام شرعی که صد در صد تبعیدی بوده- از نفوذ این نظریه در امان نباشند، چگونه می‌توان انتظار داشت که تفسیر قرآن که می‌توانست جولانگاهی برای برداشت‌های متکی بر عقل صرف باشد در امان بماند. و چنان که در کتب دیگر نیز بیان شده، به همین دلیل، تفسیر به رأی با این که از سوی پیامبر ﷺ و ائمه شدیداً مورد نهی قرار گرفته بود رونق یافت. واکنش این نوع آزادی و بی‌قیدی در تفسیر قرآن، ظهور مکتب و روش جدیدی در تفسیر آیات قرآن بود، که خود مشکل جدیدی بر مشکلات موجود در زمینه تفسیر آیات افزود.<sup>۱</sup>

پس از بیان عوامل درونی فرعی تأثیرگذار بر اختلاف تفاسیر به سراغ عوامل بیرونی مؤثر در اختلاف تفاسیر می‌رویم که آنان به همان ترتیب قبل، به عوامل اصلی و

۱. عمید زنجانی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۱۸۰.

عوامل فرعی به شرح زیر تقسیم می‌شوند:

## ۱- عوامل بیرونی اصلی

### ۱-۱. متن قرآن

متن قرآن ممکن است لفظ یا ترکیبش به گونه‌ای باشد که تفسیرهای متفاوتی از آن عرضه شود. موارد زیر از جمله آن‌ها است:

۱-۱-۱. اشتراک لفظی: لفظی که دارای دو یا چند معنای وضعی است و در متن قرینه‌ای بر تعیین قطعی یکی از آن‌ها نباشد به طور طبیعی باعث تفسیرهای مختلف می‌شود. مثل «وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ» در این جنا «عسعس» دارای دو معناست ۱- قبل. ۲- آذرب.<sup>۲</sup>

۱-۱-۲. حقیقت و مجاز: جمهور علما بر آنند که در قرآن مجاز به کار رفته است.<sup>۳</sup> گاهی لفظ دارای یک معنای حقیقی و یک یا چند معنای مجازی است. گاهی مفسری آن را به معنای حقیقی و مفسر دیگر با استناد بنا پاره‌ای قراین به معنای مجازی حمل می‌کند.<sup>۴</sup> مثل «وَوَيْلٌ لِّكَ فَطَهَّرَ» در این آیه معنای حقیقی لباس و معنای مجازی عمل

۲. سیوطی، الاتقان، ج ۲، ص ۶۱.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۲۱.

۴. علی اکبر بابایی و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۱۱۵.

انسان است.<sup>۱</sup>

۱-۱-۳. معنای حروف: برخی از حروف دارای چند معنی هستند که این امر نیز در مواردی باعث تفسیرهای متفاوت شده است، مانند ﴿وَأَسْكُوا بُرُؤُسِكُمْ﴾. در این آیه برخی حرف باء را به معنای تبعیض گرفته و بعضی آن را برای تأکید دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

۱-۱-۴. مرجع ضمیر: در برخی موارد دو یا چند موضوع صلاحیت دارد که مرجع برای ضمیری واقع شود که این امر خود سبب اختلاف در تفسیر می‌شود؛ مثل آیه ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾. در این جا احتمال می‌رود که ضمیر فاعل در «یرفعه» برگردد به همان ضمیر «الیه» و آن الله است و احتمال دارد که ضمیر «یرفعه» به عمل برگردد و معنی چنین باشد که عمل صالح، سخن خوب را بالا می‌برد.<sup>۳</sup>

۱-۱-۵. وجوه اعراب: یکی دیگر از عوامل اختلاف تفسیر، احتمال ترکیب‌های مختلف در یک عبارت است؛ مثل ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ﴾. واو در «الراسخون» دارای یکی از دو وجه اعراب است؛ واو عاطفه و واو استیناف.

اگر واو عاطفه باشد، معنای آیه چنین می‌شود که هم خداوند تاویل متشابهات را می‌داند و هم راسخون در علم و اگر واو استیناف باشد، معنای دیگری برای آیه ایجاد خواهد شد و آن این که فقط خداوند عالم به تاویل متشابهات می‌باشد و راسخون در علم در برابر آن آیات تنها ایمان و تسلیم را پیشه خود کرده‌اند.<sup>۴</sup>

۱-۱-۶. اجمال لفظ: گاهی اجمال لفظ یا عبارت باعث اختلاف در تفسیر می‌شود، مانند ﴿كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ﴾ برخی گفته‌اند مراد از حق در این عبارت همان زکات واجب است و عده‌ای آن را غیر از زکات دانسته‌اند.<sup>۵</sup> و مثال‌هایی از این دست همه بیان‌گر این نکته است که متن قرآن با این ویژگی‌ها عاملی برای اختلاف در تفاسیر شده است.

## ۲-۱. موقعیت نزول

بی‌تردید قرآن کریم در طول دوره رسالت پیامبر اسلام ﷺ به تدریج نازل شده و برخی از آیاتش در ارتباط تنگاتنگ با رویدادهای زمان خویش است. از این رو فهم این گروه آیات بدون اطلاع از قراین

۱. المیزان، ج ۲، ص ۱۲۱.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۳۵.

۳. الاتقان، ج ۲، ص ۶۱؛ المیزان، ج ۱۷، ص ۲۰.

۴. المیزان، ج ۳، ص ۱۷.

۵. همان، ج ۷، ص ۳۸۴.



حالی و مقالی که همان موقعیت نزول برخی آیات است، سبب اختلاف در تفسیر شده است. این امر در دوره صحابه هم مورد توجه بوده و در دوره‌های بعدی نیز مفسران و به خصوص نویسندگان اسباب نزول همگان را نسبت به این امر هشدار داده‌اند. واحدی نیشابوری که معروف‌ترین کتاب اسباب نزول به نام او رقم خورده در مقدمه کتاب خود می‌نویسد: شناخت تفسیر آیه قرآن و معنای صحیح آن بدون آگاهی کامل از داستان و بیان نزولش ممکن نیست. این تمییه گفته است: شناخت سبب نزول آیات به درک معانی آیات کمک می‌کند<sup>۱</sup> و همین طور دیگران جایگاه قابل توجهی را برای اسباب نزول در تفسیر قرآن قائل شده‌اند. بر این اساس توجه به اسباب نزول و نیز موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی عصر نزول، ممکن است سبب تفسیری متفاوت از ظاهر خطاب در برخی آیات شود، به عنوان مثال ﴿إِنَّ الصِّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ﴾ از ظاهر آیه سعی بین صفا و مروه معلوم نمی‌شود، تا جایی که عده‌ای بر اساس این آیه بر عدم وجوب آن استدلال کرده‌اند، حال آن‌که مسئله بر این اساس است که چون مشرکان نیز در زمان جاهلیت میان صفا و مروه سعی

۱. الاتقان، ج ۱، ص ۱۱۸.

می‌کردند و بت‌های آنان در آن جا قرار داشته، مسلمانان این عمل را گناه پنداشته‌اند؛ از این رو این آیه نازل شده است.<sup>۲</sup>  
حال پس از ذکر عوامل اصلی به سراغ عوامل بیرونی فرعی موثر در اختلاف تفاسیر رفته، آن‌ها را به ترتیب یاد می‌کنیم:

## ۲- عوامل بیرونی فرعی

### ۱-۲. منع نگارش حدیث

منع نگارش حدیث یکی از عوامل پیدایش اختلافات گوناگون در تفسیر بوده است؛ زیرا جلوگیری از ضبط و تدوین حدیث که در واقع ترجمان اصلی و مفسر حقیقی وحی به شمار می‌رفت، باعث شد بخش‌هایی از حدیث نبوی از بین رفته، و آن چه هم که باقی مانده بود به خاطر نقل به معنی و تغییر الفاظ و مسئله جعل حدیث و اسرائیلیاتی که وارد آموزه‌های دینی شد، به پیدایش مشکلاتی در اعتقادات، اعمال، اخلاق و آداب دینی انجامید و این موجب پیدایش پاره‌ای از بدعت‌های یهودی و مسیحی در آموزه‌های اسلام گردید و تأثیر این موضوع را به خوبی می‌توان در تفاسیر

۲. همان، ج ۱، ص ۱۹؛ علی اکبر بابایی و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۱۵۰.

## ۲-۲. فرهنگ جاهلیت

دوران جاهلیت اگر چه مربوط به قتل از ظهور اسلام است، اما تاثیر آن در دین اسلام را نمی‌شود نادیده گرفت؛ چرا که خدایی از آن خوی و خصیلت چندین سده را نمی‌شود در بیست و سه سال نبوت محقق ساخت و این فرهنگ خواه نا خواه بر دین و تفسیر آن تاثیر گذاشته است. نمونه آن مخالفت با واقعه غدیر و واگذاری خلافت به غیر علی علیه السلام و خلیفه‌کشی و شهادت امامان معصوم است. بی‌گمان اعراب جاهلیت همان اعراب بدوی به دور از تمدن با آب و هوایی نسبتاً سخت، تند خو و سنگدل بودند که نوزادان دختر خود را بی‌هیچ شرمی در میان ماسه دفن می‌کردند و خدایی از جنس خرما می‌ساختند و می‌پرستیدند و وقت گرسنگی آن‌ها را می‌خوردند<sup>۲</sup> آن‌ها مردمی بادیه‌نشین و بیشتر از معارف عقلی بی‌بهره بودند و مسائلی چون منازعات قبیله‌ای و انتقام‌جویی، مهم‌ترین مشغله ذهنی آن‌ها بود.

۱. مجید معارف، تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۵۱-

۲. ابوزید، معنای متن، ترجمه مرتضی کریمی،

درگیری و جنگ و جدال دائمی فرصتی برای تأمل در اعتقادات دینی برای آن‌ها باقی نمی‌گذاشت و این گونه بود که بسیاری از داستان‌های ثورات و خرافات و اساطیر گوناگون پیش از اسلام از ناحیه یهود و نصاری میان مشرکان سده اندیش و دنگران شیوع یافته بود. عرب بابت خدای اعتقاد داشت و آخرت را انکار می‌کرد یا هر دو آن‌ها را انکار می‌کرد. شگفت آن که عرب برای خود یک نوع کرامت و شرف و برتری نسبت به دیگران تصور می‌کرد. این خلدون دربارہ آن‌ها می‌گوید. این قوم بتر حسب طبیعت، وحشی و بغمناگر بودند و موجبات وحشیگری جنان در میانشان استوار بود که جزء خوی و سرشت آن‌ها شده بود. فحشا و فساد اخلاقی، هرزگی و منی‌خوارگی در بسیاری از شهرها از جمله حجاز آزادانه رواج داشت. زن در دوران جاهلیت مقام و منزلتی نداشت. حرمت زنان بدان حد سقوط کرده بود که پس از مرگ همسران خود، چون بقیه ما ترک و میراث شوهر به ارث برده می‌شدند به همین جهت اسلام در تصحیح این عقاید خرافی یا طرد پاره‌ای از آن‌ها با دشواری بسیار مواجه بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله مسائل بسیاری را به علت نبودن

زمینه مناسب در عرب بیان نکردند که این  
زمینه ساز ایجاد اختلاف در تفاسیر گردید.<sup>۱</sup>

۲-۳. کنار گذاشتن علی علیه السلام و ائمه از

### خلافت

تاریخ گواه این مطلب است که بخش  
عمده‌ای از اختلافات، برآیند خلافت غیر  
علی علیه السلام است؛ با این که پیامبر بر جانشینی  
آن حضرت و علم فراوانش تأکید کرده بود،  
در اجتماعی محدود، خلیفه‌ای برگزیده شد  
و خلیفه انتخابی پیامبر کنار گذاشته شد و  
بدین سان جدایی قرآن از عترت باعث  
گردید عفریت نفاق و جاه‌طلبی و حق‌کشی  
که در آن سوی چهره‌های به ظاهر مؤمن و  
تربیت شده نهفته بود اقدامات شوم خود را  
به مرحله اجرا گذارد و منافقان از فرصت  
استفاده کنند و آن چه نمی‌بایست انجام  
گیرد، صورت واقعیت به خود گرفت.<sup>۲</sup>

عواقب کنار گذاشتن علی علیه السلام در

۱. علی اکبر حسنی، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام،  
ص ۶۶؛ حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی  
اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ص ۳۱؛ غلام  
حسین زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام، ص ۵۷؛  
محمد نصیری، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۶۵؛  
معنای متن، ص ۱۲۳.

۲. مهرباب مروتی، پژوهشی پیرامون تاریخ تفسیر  
قرآن، ص ۱۶۳ - ۱۸۷.

سال‌های اول اگر چه کم بود، اما به مرور  
زمان آثار آن پدیدار شد.<sup>۳</sup> و افزون بر عمل  
منافقان تفاوت‌های دانش خلفا و نگرش  
آن‌ها بر تفسیر (به استثنای امام علی علیه السلام که  
دارای عصمت است) تأثیرگذار بر اختلافات  
بود؛ مثلاً از ابوبکر درباره آیه **وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ**  
**كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا** سؤال شد، در پاسخ گفت:  
کدامین آسمان به من سایه می‌افکند و  
کدامین زمین مرا دربر می‌گیرد اگر درباره  
کتاب خدا آن چه را ندانم به زبان آورم.<sup>۴</sup> و  
عمر در رابطه با **وَ وَفَاكِهِةً وَ اَبْسَا** گفت: اما  
کلمه فاکهه را شناختیم، اما معنای اب  
چیست؟<sup>۵</sup> همچنین زمان ابوبکر با شعار  
کتاب الهی بین ما و شما است، حلالش را  
حلال و حرامش را حرام بدانید سپری شد.<sup>۶</sup>  
و بعد از ابوبکر عمر با همان سیاست و بلکه  
سخت‌گیرانه‌تر آمد و از زمان خلافت عثمان  
خویشاوند پرستی و ترجیح آن‌ها بر دیگران  
آغاز شد که در ادامه بر موروثی شدن  
خلافت از طرف معاویه انجامید. عثمان  
کسی بود که اگر چه اهل سنت آن را مردی

۳. همان، ص ۷۷.

۴. کنز العمال، ج ۲، ص ۳۲۷؛ فتح الباری، ج ۱۳،  
ص ۲۳۰.

۵. المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۵۱۴.

مسند الشامیین، ج ۴، ص ۱۵۶.

۶. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۱۲۸.

نیک نفس و بخشنده می‌دانند، اما ثروت اندوخت و خانه‌ای از گچ و سنگ ساخت و درهای آن از ساج و عرعر بود و غذاهای لذیذ می‌خورد و داندان‌های خود را با طلا محکم کرد و لباس فاخر می‌پوشید.<sup>۱</sup> در زمان او بود که بنی امیه رشد کردند تا آن جا که با خلیفه چهارم مسلمانان به جنگ پرداخت و معاویه به عنوان اولین خلیفه از بنی امیه سر کار آمد. معاویه که در سال ۴۱ هجری با حيله و نیرنگ به خلافت رسیده بود سعی می‌کرد خود را به شکل شاهان ایران و امپراتوران روم درآورد و در عین تجمل و سلطنت خود را خلیفه المسلمین و امیر المؤمنین بخواند. وی برای از میان برداشتن رقیبان و مخالفان خود از ترور و کشتن با سم و خنجر و... استفاده می‌کرد و افراد بسیاری قربانی طمع و توطئه او شدند. او امام حسن علیه السلام را مسموم کرد، عبدالرحمان پسر فاتح شام و خالد بن ولید را از پا درآورد و سعد بن ابی وقاص را مسموم کرد. نویسنده انگلیسی کتاب الاسلام فی ظل العرب ضمن تمجید از معاویه می‌نویسد: معاویه اولین خلیفه اموی بود که زیرک و سیاستمدار، نیرنگ‌باز و دورو، بی‌رحم و

۱. حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ص ۳۰۴.

قسی القلب بود و از هیچ چیز برای تحکیم خلافت و مرکزیت خود ابا نداشت و کشتن را تنها راه برای خلاصی از شر دشمنان می‌دانست. او نوه پیامبر را مسموم کرد و مالک اشتر را با سم کشت و با انتقال خلافت به پسرش یزید، پیمان با امام حسن علیه السلام را شکست. او حتی برخی از صحابه را به جرم طرفداری از علی علیه السلام (از جمله عمرو بن حمق) را کشت. او حجر بن عدی و یارانش را مجبور کرد که از کفر توبه کنند، و علی را سب کنند و گرنه کشته می‌شوند و او نیز مرگ را بر خود آسان‌تر دانست.<sup>۲</sup> بیست مورد بدعت را از معاویه در کتب تاریخ شمرده‌اند. معاویه از یک سو سعی بر کشور گشایی داشت تا خزانه خود را پر کند از سوی دیگر لعن بر علی علیه السلام را بر منابر پس از نماز مقرر نمود و تلاش کرد تا نام پیامبر را دفن کند.<sup>۳</sup> و این چنین در دین اسلام تفرقه افتاد و بدعت بدان راه یافت و اختلافات بیشمار از جمله اختلاف در عقاید که خود مؤثر بر اختلافات تفسیری است بالا گرفت.

۲. علی اکبر حسنی، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، ص ۴۸۶.

۳. عمید زنجانی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۵۵.

## ۲-۴. رویگردانی از تفسیر قرآن

یکی دیگر از عوام تأثیرگذار بر اختلافات تفاسیر رویگردانی رهبران سیاسی مسلمانان از تفسیر قرآن در دوره اول اسلام بوده که در پرتو ممنوعیت نگارش حدیث صورت گرفت و بدین سبب در دوره‌های بعدی ضربه سختی بر پیکر سنت نبوی و تفسیر محمدی وارد ساخت، آن‌گونه که پیامدهای ناپسند آن جامعه اسلامی را در طول تاریخ دچار بحران و آشفتگی نموده است. بی‌گمان یکی از آن بحران‌ها آمیختگی حق و باطل در تفاسیر و بالا گرفتن اختلافات تفسیری است.<sup>۱</sup>

## ۲-۵. نفوذ افکار و انتقال علوم به بلاد

اسلامی

انتقال تدریجی علوم و فرهنگ‌ها از سرزمین‌های مجاور به محافل علمی مسلمانان، جنبش علمی وسیعی را در میان جوامع اسلامی به دنبال داشت. اگر چه سبب اصلی این جنبش علمی قبل از هر

چیز روحیه پژوهندگی ناشی از دستورات قرآن بود و فرهنگ اصیل اسلامی در مدت کوتاهی توانست در رشته‌های مختلف علمی از قبیل کلام، فلسفه و طبیعیات پیشرفت چشمگیری داشته باشد؛ ولی جا دارد به تأثیراتی که این روند بر تفاسیر با توجه به سیاست جدایی قرآن از عترت گذارد اشاره کنیم. اگر چه پیشوایان راستین امت رگه‌های زلال علوم را که از سرچشمه‌های وحی برمی‌خاست، در برابر دیدگان مشتاق جاری نمودند و مسلمانان را به علوم اصیل رهنمون شدند، ولی متأسفانه به رغم همه این مرارت‌ها، عموم مسلمانان به پیروی از همان سیاست جدایی قرآن از عترت، یافته‌های علمی دیگر مکاتب را بر علوم اصیل و حقیقی ترجیح دادند.<sup>۲</sup> و چه بسا با اصل قرار دادن علوم وارد شده از دیگر بلاد، سعی می‌شد قرآن را با آن‌ها تطبیق دهند؛ در حالی که این علوم نیز مانند دیگر علوم بشری سرشار از اختلافات بود و برآیند آن بیشتر شدن اختلافات تفسیری بود.

۱. سهراب مروتی، پژوهشی پیرامون تاریخ تفسیر، ص ۶۷؛ مجید معارف، تاریخ عمومی حدیث، ص ۷۳.

۲. عمید زنجانی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۱۷۹.

## ۶-۲. نقل به معنی

از آن جا که بخش عظیمی از منابع تفسیری را احادیث تشکیل می دهند و بسیاری از احادیث نیز به دلیل ممنوعیت نگارش توسط خلفا به صورت شفاهی نقل به معنی شدند در میان آنان اختلاف پیدا شد؛ این اختلافات هم در معنی و هم در مفاهیم و هم در عبارات و الفاظ بود. باید توجه داشت که بخشی از روایات نبوی به طور مستقیم و بقیه به طور غیر مستقیم با تفسیر قرآن ارتباط داشت؛ از این رو باعث شد در تفسیر قرآن اختلاف نظرهای بسیاری رخ دهد، که نه تنها کتب شیعه به آن‌ها اشاره دارند<sup>۱</sup>، بلکه اهل سنت خود نیز به آن پرداخته‌اند؛ چنان که ابوریه در کتاب خود مفصلاً از آن یاد کرده که از حوصله بحث ما خارج است.<sup>۲</sup>

## ۷-۲. جعل حدیث

یکی دیگر از عوامل ایجاد اختلافات در تفاسیر جعل حدیث می باشد که از زمان پیامبر آغاز گردید، چنان که روایت شده در زمان پیامبر آن اندازه بر آن حضرت دروغ

بستند، تا این که وی میان مردم به سخنرانی ایستاد و فرمود: ای مردم! کسانی که بر من دروغ می بندند فراوان شده‌اند. هر کس عمداً به من دروغ ببندد جایگاه خود را در آتش قرار دهد.<sup>۳</sup>

مسئله جعل حدیث در زمان صحابه و خلفای نخستین، با وجود قصه گویان و منافقان و اشخاصی چون ابوهزیره رو به رشد بود، تا این که زمان امویان فرا رسید. و به اعتراف خود اهل سنت در میان امویان دسته‌ای عالم دنیا طلب و دین فروش بر سر کار آمدند که برای خشنودی حاکمان، خشم خدا را بر خود خریدند.<sup>۴</sup> آن‌ها به میل خویش ظاهر آیه‌های قرآن و حدیث را تأویل کردند و بر کردار و گفتار حاکمان صحنه گذاشتند. از طرف دیگر بیان شده که به علت باز داشتن اندیشمندان از ثبت و ضبط احادیث و منع نگارش حدیث، سنت نبوی با رکود علمی مواجه بود. از سوی دیگر جعل حدیث بر ضد علی علیه السلام و خاندان وی به عنوان یک سیاست خصمانه فرهنگی سبب نشر و گسترش احادیث

۳. کلینی، اصول کافی، ص ۸۰

۴. صبیحی صالح، علوم حدیث و اصطلاحات آن

ترجمه نادر علی عادل، ص ۱۹۹.

۱. همان، ص ۸۵

۲. ابوریه، الاضواء، ص ۹۹.

جعلی درباره خلفا و دیگر مسائل گردید.<sup>۱</sup>  
 در این میان، عواملی مانند گرایش‌های  
 مذهبی، سیاسی، اعتقادی، اختلاف زبان‌ها و  
 فرهنگ‌ها، پراکندگی حوزه‌های تفسیر، فقدان  
 مرجع مورد پذیرش همگان، ناپسندی به  
 تعصب و مبانی و نظریات فرقه‌ای، ناآگاهی  
 از حقیقت قرآن و... به کمک جعل حدیث  
 آمد و موجب مخدوش شدن چهره زیبای  
 سنت نبوی گشت و عاملی شد برای  
 سردرگمی در حق و باطل و اختلاف در قرآن  
 و تفسیر آن.

شدت گرفت.

آن که عده‌ای از علاقه مندان در آن  
 شهرها نزد آنان آمدند و حلقه‌های درسی  
 تشکیل و کم‌کم این حلقه‌های آموزشی  
 تکوین پیدا کرده، به مکتب‌های تفسیری  
 تبدیل شد.<sup>۲</sup> و کاملاً واضح است که این  
 مکاتب تفسیری باعث شدند مفسران نه تنها  
 در تفسیر روشن واحدی نداشته باشند، بلکه  
 در استفاده از منابع و اعتماد به آن‌ها هم  
 متفاوت باشند که خواه ناخواه بر اختلاف  
 تفاسیر تأثیر دارد.

## ۲-۸ مهاجرت صحابه

بعد از وفات پیامبر، یازان آن حضرت در  
 شهرهای مختلف پراکنده گشتند و در هر جا  
 از قلمرو بزرگ اسلام که اقامت گزیدند  
 مدرسه‌ای گسترده و مستحکم بنا نهادند،  
 چنان که عنوان کرده‌اند ابن مسعود در کوفه  
 و ابن کعب در مدینه و ابن عباس در مکه و  
 ابو ادرالدرداء در شام دارای کرسی درس  
 بودند.<sup>۲</sup> بر این اساس دو موضوع پدید آمد:  
 اول این که اختلاف نظر در میان آنان کم کم

## ۲-۹ اسرائیلیات

وجود یک سلسله برش‌ها در مورد  
 برخی از آیات قرآن، از قبیل تعداد  
 اصحاب کهف و رنگ موی سگ آنان،  
 طول و عرض کشتی نوح، نام غلامی که به  
 دست حضرت خضر علیه السلام کشته شد، نام  
 پرندگان که حضرت ابراهیم آن‌ها را زنده  
 کرد، نوع چوب عیصای موسی علیه السلام<sup>۳</sup>

۳. سهراب مروتی، پژوهشی پیرامون تاریخ تفسیر،  
 ص ۱۸۵.

۴. عمید زنجانی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن،  
 ص ۱۸۷؛ محمد قاسمی، اسرائیلیات و تأثیرات  
 آن بر داستان‌های انبیاء در تفاسیر قرآن، ص  
 ۱۸۷؛ معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۲، ص ۷۲.

۱. مجید معارف، تاریخ عمومی حدیث، ص ۹۸-  
 ۱۰۳.

۲. معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۲۸۸.

موجب شد که مسلمانان کنجکاو به کتاب‌ها و نوشته‌های یهود مراجعه کنند و یا از یهودیان مسلمان شده مطالبی را بشنوند، حال آن که خود کتاب یهودیان سرشار از اختلافات است.<sup>۱</sup> و بدین‌سان این مطالب بی‌اساس وارد اسلام شد و در تفسیر قرآن نیز مورد استفاده قرار گرفت که این مسئله به نوبه خود باعث اختلافات بسیاری در تفسیر قرآن شد.

## ۱۰-۲. جنگ‌ها

آخرین عاملی که می‌توان از آن یاد کرد جنگ‌ها هستند. در دوران رسالت شرایط ناآرام و پر تحول بود و سخت‌گیری مشرکان و آنچه در مکه بر پیامبر گذشت و آنچه در مدینه از منافقان و اهل کتاب دید، باعث شد پیامبر همواره در حال درگیری باشد و جنگ با مشرکان هم جای خود دارد، چنان‌که در کتب تاریخی ۲۸ غزوه و ۶۶ سریه ذکر شده است.<sup>۲</sup> این نکته بیان‌گر آن است که پیامبر فرصت نداشت

۱. خوئی، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ترجمه محمد هادی نجفی و هاشم هاشم‌زاده، ص ۵۰.  
۲. علی اکبر حسینی، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، ص ۲۰۶؛ محمد نصیری، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۱۱۳.

همه قرآن را به طور عمومی تفسیر کند. با اتمام دوره رسالت و آغاز خلافت، جنگ‌ها حالت بر عکس به خود گرفت و به نوعی دیگر بر امور مسلمین و علم و آگاهی آنان و همچنین تفسیر قرآن تأثیر گذاشت. این جنگ‌ها مسلمانان را از تعمق و پیشرفت در مسائل علمی باز داشت و غریزه جاهلانۀ عرب که در اثر تربیت اسلامی فروکش کرده بود، بار دیگر در برخی مسلمانان سر به طغیان کشید. علاوه بر آن باید این نکته را نیز در نظر گرفت که روحیه دنیا‌گرایانه در بین آنان که به دوره جاهلیت باز می‌گشت، دوباره در میان برخی از اعراب رواج یافت و جای علم و علم‌پژوهی را گرفت که یکی از جنبه‌های آن تفسیر قرآن بود.

## سخن پایانی

با توجه به آنچه یاد شد می‌توان گفت کلاف پیچیده اجتماع و سیاست و فردیت با هم معجونی بی‌نظیر از اختلافات ساختند که تأثیر آن بر تفسیر بسیار آشکار است. با بحثی که گذشت، مهم‌ترین عوامل اختلاف در تفسیر روشن شد؛ اما باید توجه داشت که وجود این اختلافات در تفاسیر نباید موجب این پندار شود که مفسران در هیچ موردی با



۷. احمد بن حنبل، مسند، بیروت، دار صادر، بی تا.
۸. بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، قم، انتشارات حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱.
۹. بابایی، علی اکبر، عزیزی کیا غلامعلی، روحانی راد مجتبی، روش شناسی تفسیر قرآن، زیر نظر محمود رجیبی، چاپ دوم: تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۵.
۱۰. بخاری، صحیح، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ ق.
۱۱. بیهقی، السنن الکبری، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۱۲. جلالیان، حبیب الله، تاریخ تفسیر قرآن کریم، تصحیح محمد رضا آشتیانی، چاپ سوم: تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶.
۱۳. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۳.
۱۴. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق یوسف عبد الرحمان المرعشی، بی جا، بی تا.
۱۵. حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ نهم: تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۶.
۱۶. حسنی، علی اکبر، تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، چاپ چهارم: تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۷. خویی، ابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، ترجمه محمدهادی نجفی و هاشم هاشم زاده، قم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳.
۱۸. ———، درآمدی بر علم رجال، ترجمه عبد الهادی فقهی زاده، تهران، انتشارات امیر
- هم توافق نظر ندارند، بلکه با وجود همه این اختلافات، بیشتر مفسران از اصول و قواعد ثابتی پیروی می کنند و این اختلافات همیشه نافی یکدیگر نیستند و چه بسا در بعضی موارد مکمل هم نیز می باشند. اما باید تلاش کرد و بر عهده هر مفسر محقق است که در ورای همه این عوامل اختلافزا به دنبال حقیقت و مراد اصلی کلام خدا باشد. و با توجه به حدیث متواتر «انی تارک فیکم الثقلین...» برای تفسیر «ثقل اکبر» و کلام خدا از «ثقل اصغر» و عزت پیامبر که عالمان به قرآن و مفسران آن استفاده کنند.

#### منابع

۱. ابن عبد البر، الاستذکار، سالم محمد عطا - محمد علی معوض، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۰م.
۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، بی تا.
۳. ابن ابی شیبة الکوفی، المصنّف، تحقیق سعید اللخام، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
۴. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، چاپ دوم: بیروت، دار المعرفة.
۵. ابوزید نصر حامد، معنای متن، ترجمه مرتضی کریمی نیا، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۰.
۶. ابوریه محمود، انصواء علی السنة المحمدیة أو دفاع عن الحدیث، چاپ سوم: قم، مؤسسه أنصاریان، ۱۳۸۳.

- کبیر، ۱۳۸۱.
۱۹. زرگری نژاد، غلام حسین، تاریخ صدر اسلام، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۸.
۲۰. زمخشری، الفایق فی غریب الحدیث، بیروت دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۲۱. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، ترجمه سید مهدی خاتری قزوینی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۴.
۲۲. صالح، صبحی، علوم حدیث و اصطلاحات آن، ترجمه نادر علی عادل، چاپ دوم: تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۸۳.
۲۳. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم: تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ ق.
۲۴. طبرانی، مسند الشامین، چاپ دوم: بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۷ ق.
۲۵. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش های تفسیر قرآن، چاپ پنجم: تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵.
۲۶. قاسمی حمید، محمد، اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستان های انبیا در تفاسیر قرآن، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۰.
۲۷. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، مشهد، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، بی تا.
۲۸. متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
۲۹. مروسی، شهراب، پژوهشی پیرامون تاریخ تفسیر قرآن کریم، چاپ سوم: ایلام انتشارات گویش، ۱۳۸۱.
۳۰. معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، چاپ دوم: تهران انتشارات کبیر، ۱۳۸۱.
۳۱. معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، چاپ دوم: قم، انتشارات تمهید، ۱۳۸۵.
۳۲. مؤدب، سید رضا، روش تفسیر قرآن، قم، انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۵.
۳۳. نصیری رضی، محمد، تاریخ تحلیلی اسلام، چاپ ششم، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، ۱۳۷۸.
۳۴. نفیسی، شادی، درایة الحدیث، باز پژوهی مصطلحات حدیثی در نگاه فریقین، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.